



جامعہ شناسی تحریفات عاشورا

(نگرشی انتقادی۔ آسیب شناختی به مقتل ها، روضه ها
و ادبیات منظوم)

دکتر سید عبدالحمید ضیائی

ضیائی، عبدالحمید، ۱۳۵۴ -

جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا (گوشی انتقادی -
آسیب‌شناختی به مقتل‌ها، روضه‌ها و ادبیات منظوم) / مولف
عبدالحمید ضیائی. - تهران: هزاره ققنوس، ۱۳۸۴.
۲۴۰ ص.

ISBN: 964-8792-10-0: ریال ۱۸۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.
کتابنامه: ص. ۲۱۵-۲۱۸. همچنین بصورت زبرنویس.

۱. عاشورا در ادبیات -- نقد و تفسیر. ۲. عاشورا -- جنبه‌های
جامعه‌شناسی. الف. عنوان.
ع ۸۷/ض ۳۴۴۲ PIR / ۹۳۱/ف. ۸
کتابخانه ملی ایران
۵۵۷۴-۸۴م

■ جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا
■ نویسنده: دکتر سید عبدالحمید ضیائی

■ ناشر: انتشارات هزاره ققنوس
■ صفحه‌آرایی: زهرا رمضانعلی
■ شمارگان: ۲۲۰۰ جلد
■ نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴
■ قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال
■ چاپ و صحافی: سپهر
■ شابک: ۹۶۴-۸۷۹۲-۱۰-۰
ISBN: 964-8792-10-0

آدرس: تهران - صندوق پستی ۱۲۸-۱۵۷۱۵ - تلفن: ۵۱۱۰۷۲۸-۹۱۲

Email: Nashr 1000@yahoo.com

آدرس مرکز پخش: انقلاب - فخر رازی - وحید نظری - پلاک ۱۲۷ - واحد ۷
تلفن مرکز پخش: ۶۴۰۷۳۹۳-۶۹۶۸۰۱۴

فهرست مطالب

بخش اول: عاشورا و رویکرد جامعه‌شناختی	۱۹
فصل اول: عاشورا و رویکرد جامعه‌شناختی	۲۱
۱-۱- مشکلات و موانع پژوهش درباره عاشورا	۲۱
۱-۲- جامعه‌شناسی تاریخی و عاشورا	۲۴
۱-۳- جامعه‌شناسی جاهلیت عربی	۲۸
۱-۴- نگرش متافیزیکی به عاشورا	۳۳
۱-۵- نگاه بشری و انسانی به عاشورا	۳۵
۱-۶- مقایسه دو نگاه ثبوتی و اثباتی به عاشورا	۳۶
۱-۷- رویکرد عقلانی به واقعه عاشورا	۳۹
۱-۸- جنبه‌های غیرعقلانی عاشورا	۴۱
۱-۹- برنشاندن محبت به جای معرفت	۴۳
۱-۱۰- شهادت‌پرستی و تقدیس شهادت به عنوان هدف	۴۴
۱-۱۱- پارادوکس عاشورا و شفاعت	۴۸
۱-۱۲- جبری بودن واقعه عاشورا	۵۱
۱-۱۳- تحریفات عاشورا از منظر هرمنوتیک	۶۳
۱-۱۴- رواج سبک‌ها و اشعار غنایی تقلیدی و ناهمخوان	۷۰
۱-۱۵- شریعتی و احیاگری جامعه‌شناختی	۷۱

فصل دوم: نقد و بررسی منابع و مقاتل عاشورایی	۷۷
---	----

۲-۱- مقتل ابی مخنف، گم در غبار غائله	۷۹
--------------------------------------	----

- ۲-۲- تاریخ طبری گزارشی مخدوش ۸۲
- ۲-۳- مقتل الحسین خوارزمی ۸۵
- ۲-۴- الفتوح ابن اعثم کوفی ۸۶
- ۲-۵- ابن خلدون و تحریف تاریخ عاشورا ۸۶
- ۲-۶- ابن عربی و کشته شدن حسین با شمشیر جدش ۸۹
- ۲-۷- ابن تیمیّه و استمرار تحریف ۹۱
- ۲-۸- غزالی و تحریم لعن بر یزید! ۹۳
- ۲-۹- روضة الشهداء، سرچشمه تحریفات عاشورایی ۹۴
- ۲-۱۰- تحریف در حوزه‌ی نقل قول‌ها ۹۸
- فصل سوم: تحریف‌شناسی و فرهنگ عاشورا ۱۰۰
- ۳-۱- ضرورت غبارروبی از تاریخ عاشورا ۱۰۰
- ۳-۲- تحریف در تاریخ اسلام ۱۰۵
- ۳-۳- دروغی بزرگ و مشهور به نام شهریانو ۱۰۹
- ۳-۴- افسانه صدور فتوی توسط شریح قاضی ۱۱۴
- ۳-۵- افسانه‌ی عروسی قاسم ۱۱۶
- ۳-۶- حج ناتمام؛ تحریفی دیگر ۱۱۷
- ۳-۷- زینب، الگوی سر به محمل کوبیدن و قمه‌زنی! ۱۱۸
- ۳-۸- افسانه سقاییت ابوالفضل العباس در مسجد کوفه ۱۲۰
- ۳-۹- قاسم و مرگ شیرین‌تر از عسل! ۱۲۱
- ۳-۱۰- عبور اسرا از قتلگاه؟ ۱۲۲
- ۳-۱۱- نان و خرما (صدقه) دادن به کودکان و مخالفت ام‌کلثوم ۱۲۳
- ۳-۱۲- جدایی بعضی از یاران از امام (ع) در شب عاشورا! ۱۲۳
- ۳-۱۳- آیا آرامگاه حضرت زینب در سوریه است؟ ۱۲۵
- ۳-۱۴- حدیث ام‌ایمن و سربرهنگی زینب! ۱۲۶

- ۱۵-۳- رقیه چهار ساله در خرابه شام؟ ۱۲۸
- ۱۶-۳- امام زین العابدین بیمار! ۱۲۹
- ۱۷-۳- داستان شیر و جسد امام حسین (ع) ۱۳۱
- ۱۸-۳- زنان موپیشان اهل بیت در قتلگاه؟! ۱۳۲
- ۱۹-۳- عیسی ابن مریم (ع) در کربلا! ۱۳۶
- بخش دوم: ادبیات عاشورا در بوتۀ نقد ۱۳۷
- فصل اول: ادبیات عاشورا در بوتۀ نقد ۱۳۹
- ۱-۱- نسبت ادبیات و دین ۱۳۹
- ۲-۱- شعر مذهبی، تعریف، اوصاف و معضلات آن ۱۴۲
- ۳-۱- نخستین مراثی عاشورایی ۱۴۵
- ۴-۱- اوصاف ادبیات عاشورا در قرون اول تا چهارم ۱۴۹
- ۵-۱- عصر عباسی و شعر شیعی ۱۵۳
- فصل دوم: عاشورا در ادبیات فارسی ۱۶۱
- ۱-۲- مرثیه سرایی و پیشینه آن ۱۶۱
- ۲-۲- ادبیات عاشورایی تا قرن نهم هجری ۱۶۴
- ۳-۲- نگرش عرفانی - عاشقانه مولوی به عاشورا ۱۷۰
- ۴-۲- تحول مرثیه سرایی پس از قرن نهم ۱۷۵
- فصل سوم: عاشورا و ادبیات انقلاب اسلامی ۱۸۹
- ۱-۳- نگرشی انتقادی به آثار مطرح عاشورایی ۱۸۹
- ۲-۳- گنجشک و جبرئیل: حادثه‌ای در زبان ۱۹۰
- ۳-۳- بر خشک چوب نیزه‌ها ۱۹۱
- ۴-۳- سلمان هراتی و عاشورا ۱۹۳

۱۹۴	۵-۳- شعر سپید عاشورایی و موسوی گرمارودی
۱۹۶	۶-۳- شاعران و قالب‌های شعر عاشورایی
۲۰۰	۷-۳- بینش رئالیستی و تنوع اوزان عروضی
۲۰۱	۸-۳- نوحه‌سرایی
۲۰۲	۹-۳- دیرینه‌شناسی سنت عزاداری
۲۰۵	۱۰-۳- تعزیه، عنصر دراماتیک عاشورا
۲۱۳	۱۱-۳- بررسی و نقد تعزیه عروضی قاسم
۲۲۱	۱۲-۳- عاشورا در شعر کودک و نوجوان
۲۲۵	۱۳-۳- کاستی‌های ادبیات عاشورا
۲۲۶	۱۴-۳- کلام واپسین
۲۲۹	منابع و مأخذ

مقدمه

سورن کی‌یرکگور، بنیانگذار فلسفهٔ اگزیستانسیالیسم، پس از توصیف قصهٔ حضرت ابراهیم و ذبح فرزندش، به بررسی و کاوش در زوایای این قصه پرداخته و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که فعل ابراهیم در موقعیت بسیار پیچیده و دشوارِ تقابل بین فرمان الهی و عواطف انسانی (وجدان اخلاقی)، بی‌تردید، برگ و بار «جهش ایمانی» و «یقین» است؛ یقینی که فاقد مبنای عینی و بحث و فحص تاریخی یا تجربی بوده و حاصل تجربهٔ دینی و مواجههٔ مستقیم و بی‌واسطهٔ ابراهیم با خدا می‌باشد.¹

شاید نخستین پرسش مقدر این باشد که «فلسفه را با عاشورا چه کار؟». تأملات تاریخی نیز مؤید مدعای پرسشناک مذکور است و در ذیل و ظل همین پرسش است که می‌توان شتابزده، نتیجه گرفت که سزاوارتر آن

1. Soren Kierkegaard, *Fear and Trembling*. Trans. walter lowrie. Garden City, N.Y. 1964, P. 75.

است که دو عرصه مختلف اندیشه‌ورزی، یعنی فلسفه و کلام را به هم درنیامیزیم و عاشورا و مسائل آن را، چه در عرصه توصیف و چه در مقام توصیه، به دانش کلام و متکلمان بسپاریم و مانع از مداخله عقل بوالفضول و برهانی در وادی زخمبار و حیرت‌آفرین کربلا گردیم، که آن جا مسلخ عشق است و عقل شائبه‌آلود آدمی را که آمیخته با هزاران حرص و هراس و ریا و رعونت است، در آن بارگاه جایی و راهی نیست و شایسته‌تر آن که گام در راه پر خون عاشقی ننهد و سودایِ گردگشایی از امور متافیزیکی را از سر به در کند.

اما و صد البته، از یاد نباید بُرد که گرچه وظیفه و کار فلسفه، پدید آوردن ایمان نیست، اما قدرت ایضاح و پرتوافکنی بر ایمان و تصرف و نقد آن را دارد. نگرش فلسفی به اعتقادات دینی، مخاطبان را یاری خواهد کرد تا «ایمان آنها مردم‌خویانه‌تر شده و از تعصب و جزمیت کمتری برخوردار شود»^۱

آرایش منطقی و سازماندهی عقلانی باورها و اعتقادات و پیراستن آن‌ها از تناقض‌ها و کاهش ناسازگاریهای درونی، از عمده‌ترین دلمشغولی‌های روشنفکری دینی می‌باشد.

اعتقاد به آزمون ناپذیر بودن اندیشه‌های دینی، گرچه باعث صیانت آن از گزند اندیشه‌های ناقض خواهد شد اما از سوی دیگر به «پیراستن جهان از حضور خداوند»^۲ نیز خواهد انجامید.

۱. جان هرمن رندل و جاستوس باکر، درآمدی بر فلسفه، امیرجلال‌الدین اعلم، انتشارات سروش، ۱۳۶۳: صص ۶-۲۵.

۲. برای تفصیل مطلب ر.ک به: سروش، عبدالکریم، درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع (روش تفسیر در علوم اجتماعی)، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، چاپ دوم، صص ۱۳-۴۱۲.

در باب عاشورا پژوهی نیز چنین قاعده‌ای صادق است و تحویل و تقلیل عاشورا به واقع‌های خاص طبق مشیت الهی و امر خصوصی خداوند و پرهیز از دخالت عقل در تبیین آن، بی‌شک به انزوا و فراموشی عاشورا منجر خواهد شد.

اساساً رویکرد معرفت‌شناختی به فرهنگ عاشورا، باعث اصلاح و ایجاد تحولات مثبت بنیادین در آن خواهد شد. در فلسفه و دانش معرفت‌شناسی، این اصل، مسلم است که در اندیشه انسان همواره احتمال خطا وجود دارد و عقاید و باورهای ما ممکن است تحت تأثیر تاریخ، جامعه، زبان و تمایلات نفسانی، دچار خطاهای سیستماتیک یا غیرسیستماتیک شود.

حتی اگر عقیده‌ای صحیح هم باشد، نمی‌تواند تمامت حقیقت باشد. بر همین مبنا، هرگز هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید خود را از تصحیح، تکمیل و تعمیق معرفت‌های متنوع و اساسی خود در ادوار مختلف حیات فکری مستثنی بداند. نقد عقلانی پاسخ‌های جاری و موجود و نیز دریافت و فهم مدلل مسائل معرفتی، باید مهمترین دغدغه و وظیفه دین‌ورزان معاصر باشد. نگرش انتقادی به اعتقادات، منجر به تقدس‌زدایی از آن‌ها، شکاکیت و نسبیت نخواهد شد، بلکه پیله‌ها و تارهای سست خرافات و طامات و برخی قداست‌های موهوم و خودبافته را به یک سو خواهد افکند. از یاد نبریم که به تعبیر مایکل پیترسون، «اگر اعتقادات دینی به مواجهه عقلانی جدی و عینی تن ندهند، در آن صورت آینده این مشغله انسانی، حقیقتاً تیره و تار خواهد بود».^۱

۱. مایکل پیترسون و دیگران، عقل و اعتقادات دینی، احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، ۱۳۷۶، ص ۵۱.

پس از وقوع حادثه عاشورا، این جریان، به نحو جدی موضوع بحث متفکران واقع شده و نظریات متنوعی در تحلیل آن ارائه گردیده است. بررسی و تبیین رویکردهای متنوع و متعدد موجود، فرا و ورای این مجال و مقال اندک است. لیک اجمالاً می‌توان گفت که رهیافت‌های ذیل به عاشورا قابل تأمل و بررسی می‌باشد:

۱- رهیافت تاریخی: بررسی علل و عوامل قومی دخیل در شکل‌گیری واقعه عاشورا، تبیین ماهیت رژیم حاکم (بنی‌امیه) و هویت قبیله‌گرایانه و پدرسالانه (Patrimonialism) آنان و تحلیل حادثه عاشورا به مثابه جنبشی تاریخی که معلول اختلافات قومی و نزاع‌های عشیره‌ای و نیز جاهلیت اموی بوده است، از اهم مسائل و محورهای رهیافت تاریخی به شمار می‌رود. متفکرانی همچون عباس محمود عقاد^۱ و سیدجعفر شهیدی^۲، چنین رویکردی به عاشورا داشته‌اند.

در رهیافت تاریخی، بنابر علایق و چشم‌اندازهای فردی/جمعی می‌توان عاشورا را رویدادی خاص، انضمامی و منحصر به فرد به حساب آورد، یا آن را مانند نمونه‌های غیرمنحصر به فرد طبقه‌ای از رویدادها مورد بررسی قرار داد. گرچه به ظاهر چنین می‌نماید که تمامی رویدادهای جهان، منحصر به فرد بوده و حتی وقوع یک پدیده تکرارشونده (recurrent) مانند طلوع خورشید یا پدیده‌ای از نوع رویدادهای تکرارپذیر (repeatable) مثل حل شدن حبه فند در فنجان جای در مقام ثبوت، منحصر به فرد هستند.^۳

۱. عباس محمود عقاد، ابوالشهداء الحسین: قاهره، مطبعه سعد، ۱۹۵۹.

۲. شهیدی، سیدجعفر، قیام حسین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.

۳. برای مطالعه در باب تبیین تاریخی و گونه‌های آن را. ک. به: ←

هم‌چنین در این رهیافت، بر ضرورت استفاده از شیوه علمی تأکید می‌شود و در خواندن متون تاریخی و تحلیل و بررسی آن، شرایط دیگری از جمله توجه به وضع اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی الزامی تلقی می‌شود. به عنوان مثال سیدجعفر شهیدی در کتاب «قیام امام حسین»، در تحلیل ریشه‌های تاریخی حادثه عاشورا، به قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه آن روز و ترکیب ساختمان اجتماعی و موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان (سه مؤلفه مذکور) می‌پردازد.

درباره سابقه و پیشینه تبیین تاریخی واقعه عاشورا نیز متون و منابع متعددی در دست داریم. منابع اولیه پدیده تاریخی عاشورا را می‌توان به پنج منبع منحصر و محدود کرد: مقتل الحسین ابومخنف (م ۱۵۷)، طبقات الکبری ابن سعد (م ۲۳۰)، انساب الاشراف بلاذری (م ۲۷۹)، اخبار الطوال دینوری (م ۲۸۲) و الفتوح ابن اعثم (م ۳۱۴).

در کنار این منابع پنجگانه و اولیه، منابع مهم دیگری نیز وجود دارد که ذیلاً به بخشی از آن اشاره می‌شود:

تاریخ طبری (م ۳۱۰)، الارشاد شیخ مفید (م ۴۱۳)، مقاتل الطالیین (م ۳۵۶)، مناقب ابن شهر آشوب (م ۵۸۸)، مقتل الحسین خوارزمی (م ۵۶۸)، مقتل الحسین امام طبرانی (م ۳۶۰)، تاریخ الخلفاء (مؤلف مجهول)، البدء والتاریخ مطهر ابن طاهر مقدسی (م ۳۵۵)، اللهوف سید ابن طاووس (م ۶۴۶)، کشف الغمه فی معرفة الائمه عیسی اربلی (م ۶۹۲)، مقتل الحسین عبدالرزاق مقرم و....

→ Grunbaum. A. Causality and the science of Human Behaviour. American scientist, Vol 90, 1952.

و نیز: A. R. Anderson (eds). Philosophic Problems, New York, 1957.

۲- **رهیافت اسطوره‌ای - عرفانی :** در این رویافت به تطبیق بین واقعه عاشورا و تصلیب مسیح به دست یهودیان پرداخته شده و مسأله «فداء»، گامی مؤثر در ارتقاء و غنای فرهنگ عاشورا شمرده می‌شود.

رهیافت اسطوره‌ای، معتقد به تداوم حیات اسطوره‌وار تاریخ در دوره بعد از اسلام است و به فرهنگ تشیع نیز به مثابه بستری مناسب جهت ادامه و استمرار اساطیر ایرانی می‌نگرد. اشاره به مفهوم «شهید»، در ایران باستان و نیز خدای شهیدشونده بین‌النهرین قبل از حلول سال نو (دموزی)، که منجر به رکود طبیعت و قطع آب‌ها و حدوث سیلاب‌ها می‌شود، از محورهای نگاه اسطوره‌ای به عاشورا است. بر بنیاد نظریه اسطوره‌گرایان، در بین‌النهرین نیز مردم، حدود ده روز به عزاداری و سوگواری برای خدای شهیدشونده می‌پرداختند و عزاداری‌های پس از اسلام، تداوم تاریخی و احیا شده همان سوگواری‌هاست.

این نگرش با ایدئولوژیک کردن مذهب به شدت مخالف بوده و بر این باور است که این کار، به سودا نهادن سرمایه اساطیر بر سر زمان بوده و به عبارت دقیق‌تر «جای زمان حلقوی شهید را زمان خطی مبارزات سیاسی می‌گیرد».^۱

۳- **رهیافت جامعه‌شناختی :** توجه این رویافت به جنبه‌های جامعه‌شناختی و جایگاه اجتماعی و تأثیر عاشورا در جامعه و نیز کارکرد ایدئولوژیک آن معطوف است. در این رویافت، عاشورا نیز یکی از پدیده‌ها و اعیان دینی است که می‌تواند موضوع و متعلق جامعه‌شناسی دین واقع شده و کارکردهایی از قبیل انسجام‌بخشی به جامعه بشری، تلاش در

۱. برای تفصیل مطلب ر. ک. به: زیر آسمان‌های جهان (گفتگوی رامین جهان‌بگلو با داریوش شایگان)، ترجمه نازی عظیمی، تهران، فروزان، ۱۳۷۴، صص ۶-۱۵۵.

جهت دستیابی به عدالت (به مثابه گوهر اجتماعی دین) و نیز اصلاح طلبی داشته باشد. در جامعه‌شناسی گفتمان شیعی^۱، ابعاد مختلف فرهنگی - اجتماعی عاشورا مورد بررسی قرار می‌گیرد. آداب، رسوم و فرهنگ عامه عاشورایی، عزاداریها، تعزیه‌خوانی، ویژگیهای فولکلوریک مندرج در بطن فرهنگ عزاداری، نیز بخشی از موضوعات مورد مطالعه این رهیافت می‌باشد. جامعه‌شناسی زبان عامه در عزاداری و پرداختن به انگیزه‌شناسی مخاطبان (دوستی، شفاعت و نجات دادن، مراسم اشک و اندوده گروهی، اعتراض و احتجاج و...) از دیگر فصول و محورهای مطالعات جامعه‌شناختی در باب عاشورا است.

در فصول آغازین همین کتاب، تفصیلاً به تشریح این رهیافت خواهیم پرداخت.

۴- رهیافت حکومتی - سیاسی : طرح مسأله حکومت‌خواهی و اندیشه تشکیل حکومت در چشم‌انداز رهیافت سیاسی، هدف واقعه عاشورا قلمداد می‌شود. از جمله تئوری پردازان رهیافت حکومتی عاشورا می‌توان به ابن خلدون^۲ و نظریه مشهور وی به نام عصبیت اشاره کرد. وی عصبیت را شالوده‌آسای حکومت و رمز و عامل پایداری دولتها دانسته و با توجه به این که در واقعه عاشورا از سویی عصبیت قومی مخالفان امام،

۱. این عنوان را از نام کتابی با مشخصات زیر گرفته‌ام:

- تراجید با کریلا: سوسیئولجیا الخطاب الشیعی، الدكتور ابراهیم حمیدری، بیروت، دارالاساقی، ۱۹۹۹ م. مؤلف این کتاب، کوشیده است تا با توجه به تحلیل‌های مردم‌شناسی اجتماعی به اهمیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این مراسم و آداب و رسوم و ارتباط آنها با عاشورا و میزان اصالت دینی آنها یا تکیه و تأکید بر فرهنگ عاشورا در عراق بپردازد.

۲. ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،

زوال نیافته بود و از سوی دیگر، پیرامون امام حسین (ع) نیز چنین عصبیتی پدید نیامده بود، نتیجه می‌گیرد که استراتژی امام در واقعه عاشورا دچار مشکل بوده است. (در صفحات آتی به نقد نظریه ابن خلدون خواهیم پرداخت). تراژدی عظیم عاشورا، موجب حدوث و بسط گونه‌ای خاص از ادبیات نیز شده است که می‌توان از آن به «ادبیات عاشورا» تعبیر کرد. آثار مطرح در این گستره، بی‌شمار است. اگر دایره وسیع ادبیات شفاهی عاشورا را هم به آن منضم کنیم، آنگاه حدود و ثغور ادب عاشورایی، جلوه‌گری خواهد کرد ولی به طور کلی می‌توان این ادبیات را به موارد زیر تفکیک و تقسیم کرد:

(الف) گزارش‌های زندگی امام حسین که بیشتر به صورت وقایع‌نگاری صرف و اصطلاحاً «مقتل» است.

(ب) ادبیات تحلیل‌گرانه واقعه عاشورا که به موضوعاتی از قبیل فلسفه قیام، شهادت امام و پاسخگویی به شبهات موجود پرداخته است.

(ج) ادبیات شرح احوال اصحاب امام، که به شیوه جمعی / فردی در باب زندگی و شهادت یاران امام حسین و اهل بیت او نگاشته شده است.

(د) بیان و شرح ادعیه و زیارات و موضوعات خاص

(ح) آثار منظوم عاشورایی که در این کتاب، به نحو مفصل و مبسوط از حیث سیر تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است.

در باب ادبیات عاشورا، نکته لازم‌الذکر این است که خلأ ناشی از فقدان منابع کارآمد و تحقیقی در حوزه ادبیات دینی، از سویی انبوهی از مواد خام و داده‌های موجود را عاقل گذاشته و از سوی دیگر به تقلیل آگاهی، دانش و بینش ما نسبت به واقعه عاشورا منجر شده است. کارهای انجام شده - که به جای خود ارزشمندند - نیز غالباً به صورت تدوین و گلچین

اشعار و آثار ادبی در این خصوص بوده است.

وجوه ممیزه‌ای که می‌توان میان پژوهش حاضر و تحقیقات انجام شده در خصوص این موضوع برشمرد از این قرارند:

الف. در این پژوهش پیشینه ادبیات عاشورا طرح و بررسی شده است. ب. مدارک و منابع منقول واقعه عاشورا (به ویژه مقاتل) معرفی و بعضاً نقد شده‌اند.

ج. از نظر زمانی، پژوهش بر دوران خاصی تمرکز ندارد لیکن با تأکید بر دوران معاصر انجام شده است.

د. مبحث انعکاس تحریفات عاشورا در ادبیات، به مثابه آسیب‌شناسی انتقادی مورد توجه قرار گرفته است.

ه. مباحثی در خصوص بررسی انتقادی تعزیه‌های موجود، بیان شده و این تعزیه‌ها به طور علمی تقسیم‌بندی شده‌اند و دو رویکرد حماسی و عرفانی و هم‌چنین نگرش عقلانی و انسانی به عاشورا نیز مورد توجه واقع شده‌اند.

و. به ادبیات انقلاب اسلامی و رویکرد آن به واقعه عاشورا توجه جدی شده است.

با این همه، نگارنده این پژوهش را صرفاً فتح بابی جهت ارائه محورهای اصلی و مهم واقعه عاشورا در ادب فارسی تلقی می‌کند، محورهایی که هر یک می‌تواند مبنای پژوهشی مستقل و گسترده قرار گیرد.

در مبحث تحریفات، نظر به حساسیت موضوع، پژوهشگر کوشیده است حتی‌الامکان به آرا و اقوال ثقات و عالمان معتمد مراجعه کند و از استنباط‌های شخصی بپرهیزد. البته نکته ظریفی که نباید از نظرها دور بماند این است که اغراق و مبالغه در شعر امری معمول و طبیعی است و حتی «اکذب» شعر را «احسن» آن دانسته‌اند و از این منظر شاید لازم

می بود که بسیاری از اشعار که در بحث تحریفات بدان اشاره می شود آورده نمی شد و تحریف آن به حساب ماهیت شاعرانگی آن گذاشته می شد، لیکن حساسیت موضوع عاشورا و ضرورت تصفیه آن از عناصر و شبهاتی که باعث تخدیش چهره این حماسه می شوند پژوهشگر را در انجام این کار ترغیب نمود. شناخت و تبیین واقعه عاشورا مستلزم وجود سه عنصر درد، دین و دانایی است. آسیب شناسی این واقعه به مفهوم شناخت آفاتی مانند تحریف و خرافه است که به اصل معرفت یا باور دینی عاشورایی وارد می شود. به همین دلیل علاوه بر آسیب شناسی نهادهای دینی، شناخت تفسیرهای ناصحیح و زائد، جهل پاره ای از دینداران و اغراض دین فروشان، احیای ابعاد مغفول و متروک دین و به عبارت دقیق تر آسیب دانی، آسیب شناسی و آسیب درمانی از جمله وظایفی است که بر شانه روشنفکران دینی سنگینی می کند.

هدف از انجام این پژوهش در ابتدا بررسی انعکاس واقعه عاشورا در ادبیات فارسی و کیفیت آن بود، لیکن با غور در موضوع، سزاتر آن دیده شد که نظر به اهمیت مبحث تحریفات وارد شده در واقعه عاشورا و به تبع آن در ادبیات عاشورا، این موضوع بررسی و باز نمایانده شود. تحقق این مسأله منوط به کاوش در ریشه های تاریخی و جامعه شناختی عاشورا بود که در خلال پژوهش با توجه به تنگناهای تحقیق، اجمالاً مورد توجه قرار گرفت. بویژه در حوزه سوگواریه های نمایشی و کوشش برای تنزیه این گونه ادبی از شوائب و افسانه ها اهتمام بیشتری نشان داده شده است.

نکته و پرسش حائز اهمیت این است که گرایش و نگرش شیعی، چگونه خواهد توانست با عرصه جدید جهان مدرن، نسبت برقرار کند؟ و خود را در چارچوب پارادایم های آن شاداب و پرتراوت بدارد. به دیگر

سخن، تشیع چه قابلیت و توانی در ذات و جوهر خویش دارد تا بر مبنای آن بتواند در ساحت‌های در هم تنیده و پیچیده اندیشه‌های پراگماتیک سده‌های معاصر، چهره‌نمایی کند؟ در جهانی که در کنار جریان‌های معنویت‌گرای غیرتوحیدی، خداناگرایی نیز صدرنشین اندیشه‌ورزی آکادمیک و غیرآکادمیک قلمداد می‌شود. در جهانی که هایدگر از خدای سرنگون‌شده (das Fehlen Gottes)، سخن گفته است و کارل رانر - الاهیدان مسیحی - از خدای متروک (die Gottesterne) و آلیتز و نیچه از مرگ خدا (The Death of God) و در تسامح‌آمیزترین رویکرد، مارتین بوبر از «کسوف خداوند»، حکایت می‌کند.

در این جهان، تشیع نیز باید به مثابه اندیشه‌ای توانمند در کنش‌گری عقلانی و شعورگرایانه با ساحت‌های طوفان‌خیز پیرامونی، ایجاد نسبت و رابطه نماید و همچون ارگانی پویا و زنده، تحرک، پویایی و همزیستی خود را نمایان سازد و این مهم‌ترین انگاره مفروض جهان مدرن است.

بی‌شک، تشیع، بویژه تشیع ایرانی، حاوی و حامل ابعاد و جنبه‌های معرفتی - علمی فراوانی است که قابلیت طرح و عرضه در جهان پسامدرن و فرانوگرای معاصر را داراست. از آن جمله می‌توان به چشم‌اندازهای فلسفی متکثر و ناکاویده‌ای اشاره کرد که می‌تواند بدون هراس از «سیطره سبیرنتیک» یا پرسش از «خلأ از سیاهچاله‌ها» و حرمت نهادن به «متافیزیک تخیل»، صیورت و فعلیت یا بی‌خود را تداوم بخشد.

قدسی‌گرایی در عین مادی‌نگری و حضور و ظهور جهان‌های متعدد در حوزه تفکر شیعی و تفسیر جهان مادی بر بنیاد طرح و نگره‌ای لاهوتی و قدسی نیز از دیگر اوصاف تشیع است. توجه و تأکید بر تجارب وجودی (Existentialism) بویژه در آثاری مانند نهج‌البلاغه و... نیز بیانگر بلوغ

گوهرین تفکر شیعی است. معنابخشی به زندگی روزمره در عصری که سخن از تهی‌وارگی حیات و جهان در میان است، نیز مهم‌ترین بُعد تفکر شیعی اصیل می‌باشد که در میان ما مغفول مانده است. بنابراین در جهان اندیشهٔ معاصر که ظهور ابعاد مختلف آن را می‌توان از هنر مفهومی (Conceptual art) تا آفرینش فیلم ماتریکس (Matrix) و در هم تنیدگی ذهنیت و عینیت و نیل به گونه‌ای پسافلسفه (Postphilosophy) مشاهده کرد، معرفی تشیع و تفکر شیعی، نیازمند عزم و اراده‌ای جدی است. اراده‌ای عقل محور و خردمدار که با پالایش و پیرایش خرافات و اساطیر بیهوده و نالازم، این مهم را تحقق بخشد.

عاشورا، ساحت همنشینی تناقض‌های شگفتی همچون عقل و عشق، وسوسه و یقین، فاجعه و حماسه است و همین اجتماع نقیضین، خطیبان، مورخان و شاعران راستین را وامی‌دارد تا برای تبیین حکایت روز واقعه، کلماتی از پاره‌های روح خود بتراشند. کلماتی که آن‌ها را گریسته و زیسته باشند، زخمی زنده و تپنده است و فریادی که در چارسوی کوهستان جان آدمیزادگان طنین می‌اندازد و آنان را، یک یک، در هر زمان به آزمون ژرف و شگرف «جهش ایمانی» فرامی‌خواند.

بی‌تردید، خنیاگر تاریخ، بر شامگاه بتان، ترانه‌ای ژرف‌تر و شگفت‌تر از عاشورا نسروده است و دریغا که این سرود در حصار زمان و مکان محبوس بماند، اگر چه دریای خونین عاشورا، بسی فراتر از آن است که قابل بررسی و سنجش با مقممه‌های حقیر عقل‌ها و زبان‌های ما باشد...

سید عبدالحمید ضیائی

خزان ۱۳۸۳